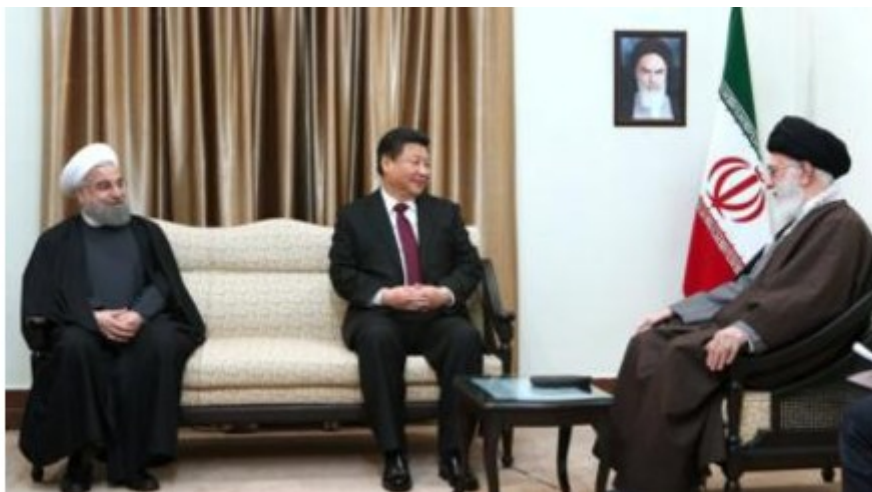


قرارداد استعماری جمهوری اسلامی با چین



قرارداد استعماری جمهوری اسلامی با
چین ضد منافع ملی ایرانیان است.

آیا ایران بیش از این مستعمره "چین
کمونیست" میشود؟

امین بیات

دولت دست نشانده ی روحانی، با توافق خامنه ای
از روی ناچاری و فشارهای اقتصادی، اگر قرار
است تسلیم قرارداد 25 ساله با دولت چین بشود،
خیانتی بزرگ به منافع ملی ایران مرتکب خواهد شد.



دولت چین قرار است که 400 میلیارد در ایران سرمایه گذاری کند که
280 میلیارد آن در توسعه نفت و پتروشیمی و 120 میلیارد آن در

جهت تکمیل زیر ساختهای تولیدی در ایران است.

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر امپریالیسم نو پای چین و روسیه قصد بالا بردن مقاومت و دخالت در منطقه و سرکوب داخلی را دارد، نتیجه مهم این قرار داد ننگین دوام و پایداری جمهوری اسلامی بوسیله چین و روسیه است.

قراردادهای جمهوری اسلامی با چین و روسیه جز استعمار نصیبی برای ایران و ایرانی نخواهد داشت، و با این قرار داد واگذاری بخشهایی از سواحل خلیج فارس از جمله جزیره کیش به چین تحت نام همکاریهای 25 ساله ایران و چین زمینه چنیهای است تا ایران بتواند به چین دراز مدت نفت را بفروشد و چین بتواند در دراز مدت مطمئن از خرید نفت ارزان از ایران باشد، و با تدارک برنامه ریزی شده تحت نام سرمایه گذاری بخشهای مختلف صنعتی، اقتصادی، بهداشتی، ارتباطات، کشاورزی، نظامی و از همه مهمتر استخراج نفت و انرژی، ترمیم راه آهن، همکاری بانکی و قرار است بندر جاسک توسعه یابد، و در ساخت پالایشگاه نفت و صنایع پتروشیمی همکاریهای دراز مدت انجام گیرد و از جمله همکاریهای امنیتی، چنیها قرار است بندر چابهار را به شهر بندری تجاری تبدیل کنند، و برای حفاظت این سرمایه ها که از آن ببعد متعلق به چین هستند، تعداد 5000 سرباز چینی در ایران مستقر شوند، و البته چین باید متعهد شود در سازمان ملل متحد از ایران پشتیبانی کند، اینگونه مطالب در پیش نویس دیده میشود.

حکومت ایران در حال حاضر در نهایت ضعف و بی عملی قرار دارد و در حال فروپاشی است، بنیه مالی حکومت تقریباً به صفر رسیده، و دولت چین از این شرایط کاملاً آگاه است و بنظر میرسد که قصد بلعیدن ایران را دارد، وام میدهد، نیروی نظامی ناظر بر هزینه وام در ایران مسقر میکند، تا در هنگام باز پرداخت که میداند ایران نمیتواند وام را پرداخت کند، در حقیقت اختیار کل کشور در ید قدرت چین "کمونیست" بخوانید امپریالیسم در حال رشد، قرار میگیرد.

کشور چین با 1,5 میلیارد جمعیت در تدارک گرفتن بخشی از اقتصاد جهان، از جمله ایران است، تا بتواند در دراز مدت مواد غذایی مردم چین را تامین نماید یعنی موجودیت چین بستگی به وارد کردن مواد غذایی دارد و صادر کننده تولیدات صنعتی تا وسایل و ادوات جنگی، ساخت چین را بفروش برسانند.

آرایش نوین امپریالیستی چین و روسیه که دارای سیاستهای استعماری و امپریالیستی همچون آمریکا و انگلیس هستند و هیچ تفاوتی در این باره دیده نمیشود، تصرف بندرهای استراتژیک در خلیج فارس، در آفریقا، آسیا، سویلانکا و... نشان از سلطه امپریالیستی نو پا، دارد.

در کشورهای دمکرات و تقریباً آزاد برای انعقاد قرار داد با کشوری دیگر اول پیش نویس قرارداد تهیه و بوسیله دولت در مجلس به بحث گذاشته میشود و کارشناسان امور مربوطه از کل کشور نظر خواهی نموده و در رسانه های رسمی انتشار میدهند و بعد در مجلس تصویب و به دولت برای اجرا ابلاغ میگردد، در ایران اما همه چیز مخفی است و بر عکس.

با انتشار پیش نویس "قرار داد" ما بین دولت های چین و ایران، در اپوزیسیون ایران برخوردهای متفاوتی انجام گرفته است، درست است که این نوشته هنوز به قراردادی رسمی تبدیل و امضاء نشده است، اما معروف است که میگویند "تا نباشد چیزی مردم نگویند چیزها".

طرفداران واقعی حفظ منافع ملی نشان دهنده درجه استقلال در حفظ منافع ملی را نشان خواهد داد.

بخشی از طرفداران ایرانی چینی از منافع امپریالیستیهای چین و روسیه در ایران معتقدند این "قرار داد" به نفع ایران بوده و تحریم های استعماری امپریالیستی را خنثی خواهد کرد و به آینده ایران و منطقه تاثیر مهم استراتژیک بجای خواهد گذاشت، و از این جنبه حرکت میکنند که این "قرار داد" موجب خواهد شد که جلوی اقدامات ضد بشری امپریالیست آمریکا گرفته شود، و عملاً از تعویض و جابجا کردن استعمارگران بنفع چین و روسیه حرکت کرده و شرم گینانه از "قرار داد" از هم اکنون دفاع میکنند، تو گوئی زحمتکشان جامعه برایشان تفاوت میکند که آنها را آمریکا و شرکاء استثمارگرش استثمار کنند یا چین "کمونیست" و روسیه، از این به بعد تسلط بر منافع ملی، مردم داشته باشند.

تو گوئی اگر توازن قوای امپریالیستی در خلیج فارس و منطقه با انعقاد این قرار داد بنفع چین و روسیه تمام شود، روزگار زحمتکشان منطقه پراز شادی و کار و ثروت خواهد شد، چه ساده لوهانه و منافع طلبانه به مسئله به این مهمی بر خود میشود، در تاریخ گذشته یکصد ساله ایران این حرفهای دهان پر کن را "حزب

توده" بنفع ارباب کرم‌لین بخورد مردم میداد و حالا فرزن خلف حزب توده " راه توده" و طرفداران چین توده ای آنها را تکرار میکنند.

درست است که امپریالیسم آمریکا و غرب سلطه گر با تحریم اقتصادی علیه منافع ملی مردم ایران ، حق حاکمیت ملی مردم ایران و تمامیت ارضی ایران را بخطر انداخته است که مجددا سلطه خود را بر منطقه گسترش دهند ، و با زور ارتش و تجاوز و حضور نامشروع در منطقه ، ثروت مردم منطقه، نفت را به چپاول ببرند، با وعده وعید به نیروهای وابسته تلاش میورزند مذبوهانه برای تجزیه ایران و کشورهای منطقه برنامه ریزی کنند.

دولت جمهوری اسلامی ایران از روی ناچای و گرفتاریهای بی حداقتصادی تغییر مواضع داده و بسمت چین و روسیه شتاب زده در حرکت است و شعار " نه شرقی نه غربی " تبدیل شده به تماما شرقی، حالا همسویی مواضع دولت جمهوری اسلامی در گذشته با "حزب توده" بود امروز این وظیفه بعهدده بخشی از هواداران ایرانی چین کمونیست واگذار شده است.

آیا منافع ملی ایران را امپریالیستهای چین و روسیه میتوانند تامین کنند؟

اگر در ایران یک دولت ملی و دمکرات بر جامعه حکومت میکرد و نماینده واقعی مردم که بر آمده از یک انتخابات آزاد بود ، و منافع ملی ایران را نه به آمریکا و اتحادیه اروپا و نه به چین و روسیه میفروخت و سیاستی پایا پای و مستقل را پیش میگرفت و برایش مهم نبود که طرف معامله چه دولتی باشد بلکه مهم حرکت از منافع مردم بر اساس احترام متقابل در دستور کار دولت قرار میگرفت آن وقت دیگر ناصیح احزاب وابسته شوروی سابق و احزاب وابسته به چین وده ای و امثالهم تاثیری در قرار دادها نداشت.

سیاستهای چین و روسیه در قبال مردم ایران:

امپریالیستها و دشمنان طبقه زحمتکش جهان و ایران هستند که فقط به منافع خود می اندیشند و اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان جهان را استثمار میکنند باهم هیچگونه تفاوت ماهوی ندارند فقط با هم داری تضاد منافع هستند.

همان قدر دولت امپریالیستی آمریکا ضد مردمی و ضد کارگری است که دولتهای امپریالیستی سرماییداری چین و روسیه هستند، هر دو بدنبال منافع استعماری خویش درایرانند و هر کدام امروز از شرایط

ضعف حاکم بر ایران و دولت جنایتکار جمهوری اسلامی استفاده کرده و بدنبال بستن قرار داد های استعماری هستند و دولت ورشکسته ایران از هر لحاظ برای بقای خود تسلیم امیال منافع طلبانه ی چین و روسیه شده است و دست تجاوز کارانه ی چین و روسیه را بر آسمان، زمین و آبهای ایران باز خواهند گذاشت .

تا به حال نه چین و نه روسیه از حق منافع ملی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد دفاع نکرده اند، بهمین دلیل ساده هم چین و هم روسیه همانند آمریکا و اتحادیه اروپا دارای منافع مشترک علیه منافع مردم ایران میباشند ، چین نمیتواند بخاطر داشتن روابط سیاسی و تجاری بالائی با آمریکا آنرا با ایران مبادله کند ، و شاید و بطور حتم با انتشار این سند مشترک میخواهند برگ برنده در مقابل آمریکا در دست داشته باشند.

آیا تفاوتی ما بین قرار دادهای زمان پهلوی و جمهوری اسلامی هست؟

امروز دیده میشود که طرفداران سرمایه داری ایرانی بدنبال تامین منافع آمریکا و اتحادیه ی اروپا هستند و در گذشته از انعقاد قراردادهای ننگین و استعماری و پیمان های نظامی آمریکا و ایران و با قرار دادهای استعماری اختلافی نداشتند و ایران جزء استتان 52 آمریکا بحساب می آمد و انقلاب 57 که بدست خمینی و یارانش (بنی صدر ، قطب زاده و یزدی) در پاریس به کجراه اسلام کشیده شد، این منافع قطع شد ، حالا چه تفاوتی و چه شرایطی موجب این شده که بخشی از نیروهای سیاسی چپ و راست وابسته منافع چین و روسیه را به منافع دیگر امپریالیست ها ترجیح می دهند، و این سیاست یک بام و دو هوا را بر ضد منافع ملی مردم ایران تبلیغ و این در حالیست که این توضیحات نوکر منشی آنها برای مردم ایران قابل قبول نیست.

سیاست ایران بر باد ده و ضد منافع ملی جمهوری اسلامی:

طی چهل سال و اندی حاکمیت ترور و خفقان و کشاندن اقتصاد ایران به ورشکستگی ، سرکوب دمکراسی ، نا امن کردن جامعه، سرکوب آزادیهای مدنی، گسترش فساد ، رواج شکنجه و اعدام ، تبعیض آشکار و ستم مضاعف بر زنان، امنیتی کردن جامعه در کلیه ی عرصه ها، و تبدیل کردن دولت ایران به سرکرده تروریسم بین المللی ، و نا دیده گرفتن منافع ملی مردم ایران ، تاراج ثروت پس انداز مردم از بانکها و صندوقهای بازنشستگی و ... رژیم جمهوری اسلامی به خیال باطل خود در چنین اوضاع و احوالی از سر استیصال قرار است با انعقاد

قراردادی ننگین که به تایید بیت رهبر جنایتکار و مجلس نظامی و امنیتی 10 درصدی هم در آینده برسد ، چین و روسیه را در ایران حاکم برمال و جان مردم کنند تا حکومت جهل و جنایت اسلامی پایدار بماند ، چه خیال باطلی ، تفاوت عملکرد سرمایه داری خصوصی نوع چینی و روسی با سیاست نئولیبرالی امپریالیستی در کجاست؟ در حقیقت قصد و هدف سرمایه گذاری میلیاردی چینی ها در ایران اسلامی اگر در آینده به واقعیت تبدیل شود که بستگی به عملکرد مردم با حکومت و تصویه با آن دارد ، همان سیاست استعماری و سلطه سرمایه و بردن ایران و ایرانی به وابستگی کامل یعنی اجرا و پیاده کردن سیاست ضد ایرانی و ضد کارگری" بانک جهانی" و "صندوق بین المللی پول" نیست؟ که قرار است طی 25 سال با سلطه چین و روسیه خون مردم ایران را به مکند و سودهای فراوان ببرند، و مردم ایران همچون گذشته در فقر و گرسنگی و وابستگی بسر ببرند، نیست؟

سرمایه داری جهانی از نوع چینی و روسی و آمریکائی از موضع و شرایط ضعف ایران حرکت میکنند و هیچگونه پایبندی به حقوق بشر ، جز استثمارکارگران ایران ندارند، و دولت تروریستی ایران بخاطر بقای زندگی ننگین و آدم کش خود چوب حراج به منافع ملی ایران میزند و می بینیم که هر روز تمامیت رژیم و آخوند ها در مقابل مردم منزوی تر و بی اعتبارتر میشوند و این در حالیست که مردم دریافته اند این دولت اسلامی در کلیتش در فساد، رانت خواری، دزدی و غارت، سرکوب، شکنجه ، نقض فاحش حقوق شهروندان ایرانی، دشمنی آشکار با طبقه زحمتکش که رژیم را به سرانجام سقوط کشانده است ، و خیال میکنند که چین و روسیه قادر به نجات و تداوم این دیکتاتوری عریان او، میباشند.

بنظر من میبایست در ایران مردم برای تحقق حقوق دمکراتیک و آزادیهای مدنی مردم بسیج شوند و مستقل از استعمار گران جهانی از حق حاکمیت ملی خود دفاع کنند و آنرا از حکومتگران اسلامی پس بگیرند. 20.07.2020